مجله علوم پزشکی زانکو/ دانشگاه علوم پزشکی کردستان/ پاییز ۱۳۹۳/ ۲۸-۱۹

مقاله پژوهشی
(Original paper)

بررسی و مقایسه‌ی میزان رضایت زناشویی در سبک‌های دلبستگی شهروندان شهرستان مریوان

لیلا رحیمی[۱]، آذر ولیدی‌پاک[۲]، محمد خوشرویی[۳]، ناصح قادری[۴]

۱- کارشناس ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج rahimileila.1@gmail.com ؛ (مولف مسئول)

شماره تماس: ۰۹۱۸۷۸۲۸۵۱۷

۲- کارشناس ارشد روانشناسی بالینی علوم و تحقیقات کردستان

۳- کارشناس ارشد روانشناسی بالینی علوم و تحقیقات کردستان

۴- دانشجوی کارشناس ارشد آموزش بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کردستان

چکیده

مقدمه: رضایت زناشویی یکی از عوامل موثر در ثبات و پایایی خانواده‌ها و در عین حال بهداشت روانی همسر و فرزندان است. در روابط زناشویی عوامل متعددی باعث رضایت زناشویی از یکدیگر می‌شود. هدف این پژوهش مقایسه‌ی میزان رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی است.

روش بررسی: پژوهش به لحاظ هدف از نوع بنیادی و به لحاظ نحوه‌ی جمع‌آوری از نوع توصیفی بود که در چهارچوب یک طرح تحلیلی انجام گردید. جامعه‌ی آماری پژوهش تمامی شهروندان ساکن در شهرستان مریوان بود که ۱۰۰ نفر از آنان ۴۸ زن و ۵۲ مرد به صورت نمونه‌گیری هدفمند مورد انتخاب آماری قرار گرفتند و به صورت داوطلبانه به دو پرسشنامه‌ی سبک دلبستگی بزرگسال هازن و شی‌ور و پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی انریچ پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون t مستقل و تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون تعقیبی استفاده شد.

یافته‌ها: رضایت زناشویی مردان بیشتر از زنان بود ($p < 0/05$) ؛ میزان رضایت زناشویی در افراد ایمن بالاتر از افراد ناایمن بود و نتایج آزمون تعقیبی شفه نشان داد، رضایت زناشویی در بین افراد با سبک دلبستگی ایمن از افراد با سبک دلبستگی دوسوگرا بالاتر بوده و همچنین بین رضایت زناشویی افراد ناایمن دوسوگرا و اجتنابی نیز متفاوت بوده است.

نتیجه‌گیری: نتایج یافته‌های پژوهش نشان از اهمیت تجارب تحولی اولیه‌ی افراد در خانواده می‌باشد که این تجارب می‌تواند در میزان رضایت از زندگی زناشویی تأثیرگذار باشد.

واژه‌های کلیدی: ازدواج، سبک‌های دلبستگی، رضایت زناشویی

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-25]

مقدمه

خانواده یکی از ارکان اصلی جامعه به شمار می‌رود. دستیابی به جامعه سالم، آشکارا در گرو سلامت خانواده و تحقق خانواده سالم منوط به برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن روابط مطلوب با یکدیگر است. روشن است که همسرگزینی از نخستین تعهدهای عاطفی و قانونی افراد و از تصمیمات مهم زندگی به شمار می‌آید. با وجود پیامدهای مثبت همسرگزینی متأسفانه بسیاری از همسران در برقراری و حفظ روابط دوستانه و صمیمی با هم مشکل دارند و بیشتر اوقات به کمک تخصصی نیاز دارند [۱]. کیفیت روابط زناشویی مفهومی چندبعدی است و شامل ابعاد گوناگون ارتباط زوجین مانند سازگاری، رضایت، شادمانی، انسجام و تعهد می‌شود. ازدواج خوب و مناسب افراد را قادر می‌سازد تا به حسی از معنای هویت در زندگیشان دست یابند [۲]. بررسی عوامل موثر در رضایت زناشویی از این جهت حائز اهمیت است که رضایت فرد از زندگی زناشویی بخش مهمی از سلامت فردی محسوب می‌گردد [۳]. در واقع ارتباط با همسر جنبه مرکزی زندگی عاطفی و اجتماعی یک فرد است و نارضایتی زناشویی می‌تواند به توانا یی زن و شوهر برای برقراری روابط رضایتمندانه با بچه‌ها و سایر اشخاص خارج از خانواده آسیب برساند [۴]. یکی از عوامل مهم که در سالهای اخیر به آن توجه شده است و بر روی رضایت زناشویی تأثیر دارد تجارب اولیه فرد با والدین و یا نوع رابطه عاطفی فرد با والدین خود در دوران کودکی است. برخی از مطالعات تلاش کرده‌اند به این سؤال پاسخ دهند که چگونه تجارب اولیه‌ی فرد در دوران کودکی می‌تواند وی را در بزرگسالی تحت تأثیر قرار دهد [۵]. دلبستگی، یک پیوند عاطفی است که بین کودک و مراقب شکل می‌گیرد و با جستجو کردن، درآویختن و میل به بودن در کنار مراقب، مشخص می‌شود [۶]. طبق نظریه بالبی در نوزادی دلبستگی عاطفی نسبت به یک یا چند نفر از مراقبان برای تأمین حمایت، حفاظت و امنیت شکل می‌گیرد [۷]. این رفتارها و روابط با بزرگتر شدن کودک گسترده شده و به اعضای دیگر خانواده، نزدیکان و گروه‌های برون خانوادگی گسترش می‌یابد و به نحوی تا پایان عمر باقی می‌ماند [۸]. سبک‌های دلبستگی دوران شیرخوارگی نقش مهمی در توانائی شخص برای برقراری روابط در بزرگسالی دارند [۶]. افراد با سبک‌های مختلف دلبستگی تجارب مختلفی در روابط عاشقانه تجربه می‌کنند [۹]. یکی از اهداف اصلی تحقیقات درباره روابط زوجین پیش‌بینی رضایت زناشویی با مشخص کردن عوامل است که بر کیفیت تعامل بین زوجین تأثیر می‌گذارد [۱۰]. (چرانیا و آیکس، ۲۰۰۷). که در این میان تحقیقات متعدد نشان داده که افراد با سبک دلبستگی ایمن از زندگی زناشویی خود رضایت بیشتری داشته‌اند. در مقابل افراد با سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) در روابط بزرگسالی خود سطح پایینی از رضایت، تعهد و اطمینان را نشان می‌دهند [۱۱، ۱۲، ۱۳، ۴، ۸، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷] به این ترتیب و با توجه به مطالعات زیادی که تأثیر دلبستگی زوجین را در سازگاری زناشوئی را بررسی کرده‌اند؟ طبق آمار رسمی مرکز بهزیستی شهرستان مریوان در سال‌های اخیر شاهد رشد طلاق در این شهرستان مریوان هستیم. کارشناس پیشگیری اداره بهزیستی مریوان بیان می‌کند که این شهرستان در سال ۹۱ نسبت به سایر شهرستان‌های استان از نظر آمار طلاق در وضعیت بهتری قرار داشت به گونه‌ای که به ازای هر

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-25]

هفت ازدواج یک طلاق صورت می‌گرفت. افرادی که برای گرفتن طلاق به مراکز مربوطه مراجعه می‌کنند اکثراً در سال‌های اول زندگی مشترک هستند و این امر به معضلی بسیار مهم در بین افراد به خصوص جوانان تبدیل شده است. وی افزود یکی از مهم‌ترین علل طلاق زوجین در جامعه ما عدم شناخت زوجین از همدیگر است. به دلیل شرایط خاص فرهنگی جامعه ما امکان اینکه شناخت طی فرآیندی از روابط اجتماعی مستمر به وجود آید، نیست [۱۸]. در همین راستا مطالعه حاضر با هدف بررسی و مقایسه‌ی رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی در سال ۱۳۹۱ انجام شده است.

روش بررسی

طرح کلی پژوهش حاضر از نوع طرح‌های همبستگی است، اما از آن جا که بررسی مقایسه‌ای سبکهای دلبستگی و رضایت‌مندی زناشویی به تفکیک جنسیت نیز مورد نظر بود، از اینرو طرح علّی ـ مقایسه‌ای نیز محسوب می‌شود.

جامعه و حجم نمونه و روش نمونه‌گیری:

جامعه‌ی مورد پژوهش تمامی شهروندان شهرستان مریوان و نمونه‌ی پژوهش ۱۰۰ نفر ۴۸ زن و ۵۲ مرد است که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند اصناف (کارمندان دولتی، خصوصی، بازاریان، نظامیان، زنان خانه‌دار، و ...) گمارش و به پرسشنامه‌های مورد استفاده در تحقیق پاسخ دادند.

ابزار پژوهش:

پرسشنامه رضایت زناشویی اینریچ:

در پژوهش حاضر به منظور اندازه‌گیری رضایت زناشویی از پرسشنامه رضایت زناشویی اینریچ استفاده شد. فرم اصلی این پرسشنامه از ۱۱۵ سؤال بسته و ۱۲ خرده مقیاس تشکیل شده است که به غیر از مقیاس اول آن که ۵ سؤال دارد، بقیه مقیاس‌ها شامل ۱۰ سؤال است. پاسخ به سؤالات به صورت ۵ گزینه‌ای (کاملاً موافق ـ موافق ـ نه موافق و نه‌مخالف ـ مخالف ـ کاملاً مخالف) است. اولسون (۱۹۸۳) از این پرسشنامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده نموده، معتقد است که هر یک از موضوع‌های این پرسشنامه در ارتباط با یکی از زمینه-های مهم است. ارزیابی این زمینه ها در درون یک رابطه زناشویی می‌تواند مشکلات بالقوه زوج‌ها را بیان کند یا می‌تواند زمینه‌های نیرومندی و تقویت آنها را تعیین کند. فرم اصلی با توجه به زیاد بودن سؤال‌های پرسشنامه موجب خستگی بیش از اندازه آزمودنی‌ها می‌شد، بنابراین سلیمان‌نژاد (۱۳۷۳) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تفکر غیرمنطقی در نارضایتی زناشویی» فرم کوتاهی از این پرسشنامه تهیه کرد که دارای ۴۷ سؤال است. نمره بالا دراین پرسشنامه نشانه رضایت و نمره پایین نشانه نارضایتی از رابطه زناشویی است. اولسون و همکاران (۱۹۸۳) پایایی پرسشنامه را با روش ضریب آلفا ۹۵/ گزارش کردند. سلیمانیان (۱۳۷۶) و عبادت پور (۱۳۷۹) پایایی پرسشنامه را در فرم کوتاه از طریق محاسبه ضریب آلفا ۹۵/ گزارش کرده‌اند.

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان:

این آزمون توسط هزن و شی‌ور (۱۹۸۷) تدوین گردیده. این آزمون حاوی سه عبارت توصیفی از احساس‌های فرد درباره نوع رابطه امن و میزان نزدیکی و صمیمت در روابط است که براساس تعمیم توصیف‌های اینزورث و همکاران (۱۹۸۷) از طبقه‌بندی‌های دلبستگی نوزادان به گونه‌ای که با ویژگی‌های روابط بزرگسالان متناسب باشد طراحی شده است. این مقیاس ۳ آیتم کلی دارد که هر آیتم ویژگیهای یکی از سبک‌ها را توصیف

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-25]

می‌کند . از آزمودنی‌ها خواسته شد با مطالعه ۳ آیتم این مقیاس، موردی را که ویژگیهای آن را به خصایص خود نزدیک‌تر می‌بینند مشخص کنند. به این ترتیب سبک دلبستگی افراد معین می‌شود. سه سبک اندازه‌گیری در این مقیاس عبارتند از سبک دلبستگی ایمن، دوسوگرا و اجتنابی، محققانی که از این مقیاس در تحقیقات خود استفاده کرده‌اند کارایی آن را در تعیین سبک دلبستگی افراد تأیید کرده‌اند. این آزمون دارای مقیاس فاصله‌ای است و به شدت و میزان سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابگری و دوسوگرائی می‌پردازد. ضریب پایایی این پرسشنامه که توسط روش آلفای کرونباخ محاسبه شده ۷۳٪ است که این رقم نشان دهنده ضریب پایایی مقبول و معروف تجانس درونی ابزار اندازه‌گیری است. لازم به توضیح است که برگردان فارسی این پرسشنامه از تحقیق مظاهری (۱۳۷۹) گرفته شده است. در این از شیوه‌ای برای اجرای مقیاس دلبستگی بزرگسالان استفاده شده است. بدین ترتیب که آزمودنی‌ها علاوه بر انتخاب یکی از سه توصیف موجود برای هر توصیف نمره‌ای از (۱) تا (۹) را اختصاص دادند. در صورتی که نمره اختصاص داده به دو یا سه مقیاس با یکدیگر برابر بودند، انتخاب آزمودنی از سه گزینه ملاک واقع می‌شود. در غیر اینصورت، گزینه‌ای که بالاترین نمره را به خود اختصاص داده، به عنوان سبک دلبستگی آزمودنی محسوب می‌شود. روایی این پرسشنامه از نوع روایی محتوایی است. ضریب پایایی این پرسشنامه در دو تحقیق مختلف (صدقی طارمی، ۱۳۸۳؛ عزیزی و همکاران، ۱۳۸۲) به ترتیب ۰/۷۳ و ۰/۷۲ گزارش شده است.

روش‌های آماری بکار رفته

با توجه به ماهیت و هدف کار از روش‌های آماری توزیع فراوانی، شاخص‌های مرکزی و پراکندگی در ارتباط با توصیف نمونه مورد مطالعه و جهت تحلیل فرضیه‌های از آزمون‌های تی مستقل و تحلیل واریانس یک راهه با نرم افزار SPSS استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

جدول ۱ نشان می‌دهد که ۵۳ درصد افراد نمونه دارای سبک دلبستگی ایمن بوده که از این تعداد (۱۷ درصد زن و ۳۶ درصد مرد بوده‌اند)؛ ۳۳ درصد دارای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی که ۲۰ درصد آنان زن و ۱۳ درصد مرد تشکیل داده‌اند و در نهایت ۱۴ درصد افراد نمونه دارای سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا که از این تعداد ۱۱درصد زن و ۳ درصد مرد بودند در کل سبک دلبستگی ایمن در مردان بیشتر از زنان است.

جدول ۱: میانگین افراد دارای سبک دلبستگی ایمن و ناایمن

		سبک دلبستگی		
		ایمن	ناایمن	
جنسیت			دوسوگر	اجتنابی
زن	تعداد	۱۷	۲۰	۱۱
	درصد	۱۷	۲۰	۱۱
مرد	تعداد	۳۶	۱۳	۳
	درصد	۳۶	۱۳	۳

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-25]

جدول ۲ نشان می‌دهد که میانگین رضایت زناشویی زنان برابر ۱۴۹/۱۷ و میانگین رضایت زناشویی مردان برابر ۱۶۶/۶۲ بوده به عبارتی میانگین رضایت زناشویی در بین مردان بیشتر از زنان بوده و انحراف معیار نیز در بین توزیع نمرات رضایت زناشویی زنان بیشتر از مردان بوده یعنی توزیع نمرات در نمونه زنان پراکنده‌تر می‌باشد.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار متغیر رضایت زناشویی به تفکیک جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار
زن	۴۸	۱۴۹.۱۷	۲۲.۰۱
مرد	۵۲	۱۶۶.۶۲	۲۰.۸۲

جدول ۳ نتایج آزمون t مقایسه میزان رضایت زناشویی در زنان و مردان می‌باشد. طبق این جدولt به دست آمده($t = 3/75$) با درجه آزادی ۹۸ در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنادار بوده بنابراین فرض صفر رد گردید بدین معنی که تفاوت معناداری بین میزان رضایت زناشویی مردان و زنان وجود داشته و باتوجه به جدول ۲ میزان رضایت زناشویی در مردان بیشتر از زنان بوده است.

جدول ۳ نتایج مقایسه میانگین رضایت زناشویی مردان و زنان

t	درجه آزادی	تفاوت میانگین‌ها	سطح معناداری
۳/۷۵	۹۸	۱۷/۴۵	۰/۰۰۰

$p \leq 0/05$

جدول ۴ نتایج تحلیل واریانس میانگین‌های رضایت زناشویی در سبک‌های دلبستگی نشان داد که F به دست آمده با در جه آزادی ۲ و ۹۷ در سطح ۰/۰۵ خطا معنادار است. بنابراین فرض صفر رد و فرض مخالف پذیرفته می‌شود در مرحله‌ی بعد بررسی با آزمون شفه نشان داد که تفاوت معناداری بین میزان رضایت زناشویی در سبک‌های دلبستگی ایمن و ناایمن دوسوگرا و همچنین بین سبک‌های دلبستگی ناایمن دوسوگرا و ناایمن اجتنابی وجود دارد.

جدول ٤: تحلیل وراپانس، برای مقایسه میزان رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی

سبک دلبستگی	میانگین رضایت زناشویی	میزان F	سطح معناداری	جایگاه تفاوت براساس آزمون شفه
ایمن	۱۶۷/۷۹			۳>۲ و ۲> ۱
ناایمن دوسوگرا	۱۴۳/۷۹	۱۰/۶۳	۰/۰۰۰	
ناایمن اجتنابی	۱۶۳/۲۹			

بحث

در این قسمت به بحث و نتیجه‌گیری درباره‌ی نتایج به دست آمده خواهیم پرداخت. به این منظور ابتدا هر یک از فرضیه‌های پژوهش مطرح می‌شود. سپس نتایج به

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-25]

دست آمده در مورد آنها ارائه می‌شود. همچنین با ارائه شواهد پژوهشی مربوط به هر فرضیه دلایل احتمالی تائید یا رد هر فرضیه بررسی می‌شود.

همانطور که در بخش نتایج ملاحظه کردید، میزان رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی تفاوت معناداری را نشان داده و افرادی که سبک دلبستگی ایمن داشته‌اند از میزان رضایت زناشویی بالاتری برخوردار بوده‌اند، نتایج این تحقیق با مطالعات [۱۱، ۱۲، ۱۳، ۸، ۴، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷] مبنی بر اینکه آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی ایمن از مشکلات زناشویی، مشکلات بین شخصی کمتر و سطح شادکامی بیشتری نسبت به آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا برخوردارند همخوان است. یافته های فنی و نولرنیز نشان داد که افراد با سبک دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی پایین-ترین حد رضایت زناشویی را نسبت به افراد دیگر نشان می‌دهند. اسمیت [۱۹] براین اعتقاد است که تنوع در جهت‌گیری دلبستگی بزرگسالی، به الگوهای اختلاف و فشار روانی در روابط عاشقانه، رضایت و توزان عاشقانه و همچنین دوره زمانی روابط عاشقانه مرتبط است. در مطالعه‌ی فینی (۲۰۰۲) نیز دلبستگی و رفتارهای مثبت همسران در رضایت از ازدواج نقش داشت. افرادی که احساس امنیت ندارند، به خصوص آن‌هایی که دلبستگی همراه با نگرانی دارند، نسبت به رفتارهای مثبت و به خصوص منفی همسر خود واکنش بیشتری نشان می‌دهند. این الگو همچنین در مورد کسانی که احساس و حتی صمیمت کمتر داشتند نیز صدق می‌کرد. اما باز هم تمامی یافته‌ها در این جهت نیستند؛ برای مثال در پژوهش کوهن و همکاران (۱۹۹۲؛ به نقل، ۱۹۹۶) برخلاف انتظار مشاهده شد که نمرات زنان و مردان در پرسشنامه رضایت ۱۷ از کولین زناشویی، با دلبستگی مرتبط نبود. این پژوهش بر روی ۲۷ زوجی که در اواخر دهه سوم یا اوایل دهه چهارم زندگی بوده و همه دارای فرزند بودند، انجام شد. نتایج حاکی از این بود که ۲۰ نفر از شوهران (۷۴٪) و ۱۴ نفر از زنان (۵۲٪) به عنوان ایمن طبقه بندی شدند اما برخلاف انتظار نمرات زنان در پرسشنامه همسازی زناشویی، با نوع دلبستگی آنها مرتبط نبود. به عبارت دیگر محققان به صورت نظری، فرضیه «کوبک» و «هازن» را تأیید و پیشنهاد کردند که پیوند بین سبک دلبستگی و رضایت از رابطه، ممکن است تا حدودی از شیوه‌های ارتباط گروه‌های دارای سبک دلبستگی متفاوت ناشی شود. به این صورت که در ایجاد پیوند بین دلبستگی و رضایت از رابطه، الگوهای ارتباطی ممکن است به عنوان متغیر واسطه عمل کنند. اما مؤلفان اذعان می‌کنند که در عمل یافته‌های آنان از این فرضیه حمایت نکردند. بلکه این نکته را برجسته ساخته‌اند که دست کم در اوایل ازدواج، دلبستگی ارتباط، تأثیرات مستقلی بر رضایت خاطر زوجین از ازدواج دارد. برای تبیین نتایج به دست آمده از این فرضیه می‌توان گفت به طور کلی افراد با سبک دلبستگی ایمن، تعارض کمتر، رضایت بیشتر، ثبات بیشتر و دوره طولانی‌تر در روابط عاشقانه خود تجربه می-کنند و در مقابل افراد با سبک دلبستگی ناایمن، تعارض بیشتر، رضایت کمتر، ثبات کمتر و دوره‌های کوتاه‌تری در روابط عاشقانه خود تجربه می‌کنند [۱۶]. افراد با سبک دلبستگی ایمن دارای ویژگی‌هایی از قبیل اعتماد به خود و دیگران، درک مثبت و حمایت اجتماعی، رفتار اکتشافی و انفعال‌پذیری، تمایل به بخشش و مهار هیجانهای منفی می‌باشند این افراد درک عمیق‌تری را از روابط به صورت بالاتر نشان می‌دهند و این افراد از

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-25]

اشتراک‌های بالاتری در روابط بین فردی برخوردارند که این ویژگیها موجب استحکام روابط زوجین شده و رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد. در مقابل فرد با سبک دلبستگی اجتنابی به شدت از ایجاد روابط نزدیک و صمیمانه، گریزان است و به محض این که احساس می کنند ارتباط در حال نزدیکی است، ناهوشیارانه از آن اجتناب می‌کنند که این موجب کاهش روابط بین زوجین شده و رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد.

از دیگر نتایج این تحقیق تفاوت میزان رضایت زناشویی در بین زنان و مردان بود میانگین رضایت زناشویی در مردان بیشتر از زنان بوده است. بررسی‌های قبلی رضایت‌مندی زناشویی به طور کل نشان می‌دهند که وضعیت جنس افراد، پیش‌بینی‌کننده رضایت‌مندی نمی-باشد [۱۹]. آزمنا و اتکیب [۲۰] نیز در تحقیقات خود نشان دادند که مردان سازگاری زناشویی بالاتری نسبت به زنان دارند. در پژوهشهای برزنیاک و ویسمن [۲۱] و ترودل [۲۲] زنان رضایت زناشویی کمتری را نسبت به مردان گزارش کردند و در پژوهش هوستون، کافلین، هاتس و اسمیت [۲۲] تفاوتی در رضایت زناشویی زنان و مردان مشاهده نشد. برای نمونه اسمیت دریافت که بین رضایت‌مندی زناشویی گروههای زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد. با وجود این، فاورز (۱۹۹۱) در بررسی رضایت‌مندی زناشویی مشاهده کرد که مردان بیش از زنان، ازدواج خود را با توجه به شاخص‌های مالی، والدینی، خانواده، دوستان و شخصیت همسر خود مثبت-تر گزارش کرده‌اند [۱۲].

بدون شک دشوارترین پژوهش‌ها، پژوهش‌هایی است که در حیطه‌ی علوم انسانی انجام می‌گیرد. علت دشواری چنین تحقیقاتی موضوع پژوهش، یعنی انسان است. انسان موجودی است که هر چقدر هم انعطاف پذیر باشد در هنگام مواجهه با ارزشیابی توسط دیگران از خود مقاومت نشان می‌دهد. از سوی دیگر یکی از رایجترین ابزارهای پژوهش در علوم انسانی پرسشنامه است و با توجه به اینکه تکمیل پرسشنامه توسط آزمودنی‌ها منجر به احساس خود فاش سازی برای دیگران می‌شود و خود فاش سازی نیز موجب احساس زخم پذیری می‌گردد، بنابراین ارائه اطلاعات کاملاً صحیح تا حدی امری ایده‌ال و آرمانی به نظر می‌رسد. از سویی دیگر نمونه آماری این زنان و مردان متأهل بودند که به سوالات پرسشنامه پاسخ می‌دادند. به عبارتی اثرات اصلی سبک دلبستگی در میزان رضایت زناشویی بررسی شد. در حالی که اثرات تعاملی سبک‌های دلبستگی زوجین (هم زن و هم مرد در تعامل با یکدیگر) مد نظر نبوده که خود می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی در این زمینه باشد. چنانچه که قبلاً اشاره شد در شهرستان مریوان از هر هفت ازدواج یک ازدواج منجر به طلاق می‌شود و طبق آمارهای مراکز مداخله در طلاق بهزیستی مریوان آمار افرادی که در دوران عقد از همدیگر جدا می‌شوند در حال افزایش است و این نشان از این دارد که دوره عقد و قبل از عروسی به دوره آشنایی زوجین از همدیگر تبدیل شده است. که این مهم خود می‌تواند زمینه را برای تحقیق در مورد راهکارهای افزایش آشنایی زوجین قبل از ازدواج به همراه داشته باشد همچنین اجرای برنامه‌های زیر بنایی فرهنگی برای آشنایی زوجین قبل از ازدواج در سطح شهرستان صورت پذیرد.

تشکر و قدردانی

در نهایت از شهروندانی که صمیمانه در اجرای این تحقیق شرکت داشتند و همچنین جناب دکتر حمزه احمدیان برای

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-25]

مشاوره و راهنمایی‌های لازم جهت اجرای این تحقیق کمال
تشکر و قدردانی را داریم.

References

1- Bronstein, p.h.(۱۹۸۱)."clinical treatment of marital dysfunction: a multiple-baseline analyze". Behavioral assessment.

۲- قلی‌زاده، زلیخا؛ برزگری، لیلی؛ غریبی، حسن؛ باباپور خیرالدین، جلیل.(۱۳۸۹). بررسی رابطه پنج عامل شخصیتی NEO-FFI با رضایت زناشویی. دوماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، سال هفدهم شماره ۴۳.

۳- سلیمانیان، علی اکبر.(۱۳۷۶). بررسی تفکرات غیرمنطقی بر نارضایتی زناشویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.

۴- مظاهری، محمدعلی. (۱۳۷۹). نقش دلبستگی بزرگسالان در کنش‌وری ازدواج. مجله روانشناسی۵. سال چهارم، شماره۳.

5- Simpson, J. A. Influence of attachment Styles on romantic relationships. J Personal Soci Psychol 1990; 59, 971-980.

6- Sadock, B. J., & Sadock, V. A. Kaplan and Sadock's synopsis of psychiatry. Lipping Williams & Wilkins. 2005.

7- Lyddon. W. J. and Sherry, A. Development personality styles: An theory conceptualization of personality disorders. J counsel development, 2001, 79, 405- 415.

8- Besharat, M. A., Habibi, M., & Shamsi Pour, H. Attachment styles between twin and single births. J Psychol Sci, 2003, 12:45-49

9- Hazan, C., & shaver, P. R. Love and work: An attachment theoretical perspective. Journal of Personality and Social Psychology, 1987, 59(2): 220-280.

10- Charnia. M. R., & Ickes. W. Predicting marital satisfaction: Social absorption and individuation versus attachment anxiety and avoidance. Personal Relationships, 2007, 14, 187–208.

11- Feeny, J. A. Attachment, marital interaction, and relationship Fowers, B. J. ENRICH Marital Satisfaction Scale: A Brief Research and Clinical Tool. J Family Psychol, 1993, 7, 176-185.

12- Fowers, B. J. & Olson, D.H. ENRICH Marital Satisfaction Scale: A Brief Research and Clinical Tool. J Family Psychol, 1993, 7, 176-185.

13- Carnelly, K. B., Pietromonaco, P. R., & Jaffe, K. Depression, working models of others, and relationship functioning. J Personal Social Psychol, 1994, 66, 127-140.

۱۴- حمیدی، فریده. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک های دلبستگی با رضایت مندی زناشویی در دانشجویان متاهل دبیری. فصلنامه خانواده پژوهی، سال سوم، شماره ۹، ۴۴۳-۴۵۳.

۱۵- رجایی، ع؛ نیری، م. و صداقتی، ش (۱۳۸۶)،سبک‌های مختلف دلبستگی و رضایتمندی زناشویی. فصلنامه روانشناسان ایرانی، ۳(۱۲):۹۰-۱۱۰

۱۶- افخم ابراهیمی، عزیزه.(۱۳۸۷). شیوه‌های دلبستگی و ارتباط آن با مدل‌های خود و دیگران و صفات شخصیتی دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه علوم پزشکی، تازه‌های علوم شناختی، سال ۱۰، شماره ۳: ۳۴-۴۴.

۱۷- عیدی، رقیه و زینب، خانجانی .(۱۳۸۵). بررسی رضایت‌زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی، فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز، سال اول، شماره ۲ و ۳: ۱۷۵- ۲۰۱.

18- http://www.farsnews.com/newstext.php?

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-25]

19- Schmitt, D. P. Are men universally more difference than women? Gender difference in romantic attachment across 62 cultural regions. Personal Relationships, 2003, 10: 307-320.
20- Özmena O, Atikb G. Attachment styles and marital adjustment of Turkish married individuals, Procedia Social and Behavioral Sciences, 2010, 5: 367-371.
21- Brezsnyak, M., & Whisman, M. Sexual desire and relationship functioning; It's effect of marital satisfaction and power. J Sex Marital Therapy, 2004, 30(3): 199-217.
21- Trudel, G. Sexuality and marital life: Result of survey. J Sex Res, 2002, 28(3): 229-240.
22- Huston, T. L., Coughlin, J. P., Houts, R. M., & Smith, Sh. E. The connubial crucible: Newlywed years as predictor of marital delight, distress and divorce. J Personal & Social Psychol, 2001, 80(2): 232-252.

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-25]

Original paper

Comparison of attachment styles and marital satisfaction in the city of Marivan citizens

Leila Rahimi[1], Azar validipack[2], Mohamad khoshroei[3], Naseh Ghaderi[4]
1- Department of Clinical Psychology, Marivan, Iran. rahimileila.1@gmail.com; Mobile: 09187828517
2- Department of Clinical Psychology, sanandaj, Iran.
3- Department of Clinical Psychology, Marivan, Iran.
4- Department Of Public Health, Faculty of Health, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

Abstract

Background and Aim: One of the factors affecting the stability and reliability of family and marital satisfaction and mental health while his wife and children. Several factors led to the marriage of marriage together. The purpose of this study was to compare the different styles of attachment is marital satisfaction.

Methods: The purpose of basic research in terms of how to collect descriptive analysis was performed in the framework of a project. Statistical populations of all citizens living in Marivan city 100 of them 48 women and 52 men are chosen by purposive sampling were analyzed. And voluntarily to the Adult Attachment Questionnaire Hazen and objects around and marital satisfaction questionnaires responded. To analyze the data, t-test and one-way analysis of variance and Scheffe test was used.

Results: Marital satisfaction was higher in women (0/05), higher levels of marital satisfaction in safe and unsafe Scheffe's test results showed that marital satisfaction among people with secure attachment of individuals with ambivalent attachment style was higher between marital satisfaction and avoidance of unsafe ambivalent been different.

Conclusion: The findings show the importance of early transition experiences in the family is that these experiences can affect marital satisfaction.

Key words: marriage, attachment styles, marital satisfaction

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-25]